

## بررسی اثر ابعاد شخصیتی مدیران مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی با میانجی‌گری افشای داوطلبانه

سید علی سلطانزاده<sup>۱</sup>، امیر شمس<sup>۲\*</sup>، محسن دستگیر<sup>۳</sup>

(۱) گروه حسابداری، واحد واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

(۲) گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

(۳) گروه حسابداری، واحد واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

\*نویسنده مسئول: Shams1122@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

### چکیده

یکی از پایه‌های اساسی موفقیت شرکت‌ها داشتن مدیران شایسته و کارآمد می‌باشد، شایستگی مدیران بیش از آنکه تابع معلومات و مهارت‌هایشان باشد، به نوع رفتار، ویژگی‌های شخصیتی و نگرش آنان وابسته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر ابعاد شخصیتی مدیران مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی با میانجی‌گری افشای داوطلبانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۸ است و نمونه مورد مطالعه شامل ۸۸ شرکت بورس اوراق بهادار تهران است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار (PLS3) استفاده شد. به منظور اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی از پرسشنامه ۵ عاملی نئو، افشا داوطلبانه از چکلیست محقق ساخته و برای تقارن اطلاعاتی از اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شد. نتایج نشان داد که بین روان رنجوری، برون‌گرایی، تطابق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه و افشا داوطلبانه رابطه معنادار وجود دارد و همچنین پنج عامل شخصیتی فوق می‌توانند بر تقارن اطلاعاتی با میانجی‌گری افشا داوطلبانه مؤثر باشند.

**کلید واژگان:** افشا داوطلبانه، عدم تقارن اطلاعاتی، ویژگی‌های شخصیتی

اصلی سازمان می‌باشد (خانچی، ۱۳۹۰ به نقل از آرین و همکاران، ۱۳۹۳).

### مقدمه

یکی از عواملی که تحت تأثیر شخصیت افراد قرار می‌گیرد، مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. به‌طور کلی مدل‌های مختلفی جهت تبیین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در مقابل ذینفعان وجود دارد ولیکن مسئولیت اجتماعی هر شرکت با توجه به اینکه دارای خصوصیات منحصر به فرد خود می‌باشد و این خصوصیات، تأثیرگذار بر دیدگاه‌ها و نحوه‌ی عملکرد و استراتژی‌های آن‌ها

با پیچیده‌تر شدن روزافزون جوامع امروزی به‌طور حتم رسالت سازمان‌ها در جهت برآوردن انتظارات افراد جامعه حساس‌تر و بااهمیت‌تر می‌شود. در حال حاضر می‌توان ادعا نمود دنیای ما دنیای سازمان‌هاست. در واقع آنچه امروزه در بین اهل فن با اتفاق نظر به‌یقین تبدیل شده است نقش اساسی انسان و شاخصه شخصیت به‌عنوان گرداننده

۲۰۰۵). در پژوهش هلی و پالپو (۲۰۰۷)، پنج عامل به عنوان تاثیرگذار در تصمیمات افشای اختیاری بازار سرمایه، بیان شده است: فرض مبادلات بازار سرمایه، فرض جدال بر سر کنترل شرکت، فرض سهام جایزه، فرض هزینه های حقوقی و فرض مسائل در ارتباط با مالک. خلاصه ای از فرض های مزبور در پژوهش کالت و راسکی (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گرفته است. آن ها موارد زیر را بیان کردند: (۱) فرض مبادلات بازار سرمایه؛ شرکت ها جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه تامین مالی از طریق کاهش ریسک اطلاعات، انگیزه برای افشای داوطلبانه دارند. (۲) فرض جدال بر سر کنترل شرکت؛ زمانیکه عملکرد شرکت ضعیف است، مدیران با افشای اختیاری اطلاعات سعی بر افزایش ارزش شرکت خواهند نمود تا بتوانند علت عملکرد ضعیف را توضیح دهند و در نتیجه خطر از دست رفتن شغلشان کاهش یابد. (۳) فرض سهام جایزه؛ اگر پاداش مدیران در قالب سهام اعطا گردد، آن ها این انگیزه را خواهند داشت تا با استفاده از افشای اختیاری امکان اظهار موارد مخرب را کاهش دهند و همچنین شرکت هم، برای افشای اختیاری انگیزه خواهد داشت تا از این طریق هزینه های قراردادی با مدیرانی که سهام جایزه را دریافت خواهند کرد، کاهش دهد. (۴) فرض هزینه حقوقی؛ مدیران مایل به افشای اخبار بد هستند تا از این طریق از برخوردهای قانونی برای افشای ناکافی جلوگیری کنند و همچنین درصدد کاهش افشای پیش بینی هایی خواهند بود که این موارد مزبور را زیر سوال ببرد و (۵) فرض مسائل در ارتباط با مالک؛ اگر مدیران متوجه شوند که افشای اطلاعات دارای مضرات رقابتی است، افشای داوطلبانه محدود خواهد شد. در هر صورت به طور تجربی نشان داده شده است که افشا، تابع پیچیده ای از چندین عامل است: ویژگی های درون سازمانی و برون سازمانی مربوط به شرکت که متاثر از محیط اطراف آن است مانند فرهنگ، سیستم قانونی و تاریخچه شرکت (لوپس و رودریگس، ۲۰۰۷). به علاوه، سهامداران شرکت، خواهان افشای

می باشد. حرکت به سمت نهادینه کردن افشا اطلاعات شرکت در نظام راه بردی شرکت ها می بایست با فرهنگ سازمانی، چشم انداز و استراتژی های بلندمدت شرکت در یک راستا باشد تا اجرای برنامه های مسئولیت اجتماعی به صورت یک برنامه ی هزینه بر از سوی کارکنان و سهام داران تلقی نگردد (حیدری نژاد، ۱۳۹۱). از آنجاییکه سازمان ها و شرکت ها تأثیر عمده ای بر اجتماع دارند، بنابراین فعالیت آن ها باید به گونه ای باشد که اثرات مثبت حاصل از آن را به حداکثر برسانند و اثرات منفی را به حداقل کاهش دهند و به عنوان تأثیرگذارترین عضو جامعه نگران نیازها و خواسته های درازمدت جامعه باشند و در جهت رفع معضلات آن ها بکوشند. بدین ترتیب، مسئولیت اجتماعی تدابیر و رفتارهای تجاری در حوزه های کارگری، مصرف کننده ها، حمایت های زیست محیطی، حقوق بشر، ضوابط رفتاری - اخلاقی و اطلاعات پذیری، فعالیت های اجتماعی و خیرخواهی شرکتی را شامل می شود (کاوسی و چاوش باشی، ۱۳۸۶).

تصمیم شرکت در خصوص افشای اختیاری به انتظار شرکت از باور رقبا و سرمایه گذاران بستگی دارد (دانتو، ۱۹۸۹). در بسیاری از پژوهش های اخیر فرض شده است که افشای داوطلبانه شرکت با توجه به کنترل تضاد منافع بین سهامداران، بستانکاران و مدیران تعیین می شود (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). با در نظر گرفتن این تضاد منافع، می توان چنین استنباط کرد که انگیزه های زیربنای افشای اختیاری در شرکت ها، به ویژگی های شرکت بستگی دارد (چاو و وانگ بون، ۱۹۸۷).

یک مرور جامع از ادبیات افشای اختیاری توسط هلی و پالپو (۲۰۰۷) انجام شده است. در این مقاله بیان شده است که جهت گیری تصمیمات مربوط به افشای اختیاری بر نقش اطلاعات در گزارشگری برای افراد حاضر در بازار سرمایه بستگی دارد. در حقیقت محققان دانشگاهی، افراد حرفه ای و قانون گذاران به افشای اختیاری از منظر یک عامل مهم در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی می نگرند (گانديا ،

و ناصر، ۱۹۹۵؛ الساعد، ۲۰۰۶؛ الجفیری، ۲۰۰۸؛ وانگ و سون و کلابیون، ۲۰۰۸). کمال، الحسینی و الکواری (۲۰۰۶) در مطالعه شرکت های بورس اوراق بهادار قطر متوجه شدند که اختلافات در افشای اطلاعات بین شرکت ها با اندازه شرکت، ریسک کسب و کار و رشد شرکت در ارتباط است. الجفیری (۲۰۰۸) در پژوهش خود متوجه شد چهار عامل بر میزان افشا تاثیر می گذارد: نوع شرکت (بانکی، بیمه‌ای، صنعتی و خدماتی) اندازه شرکت، نسبت بدهی به ارزش ویژه و سودآوری. الساعد (۲۰۰۶) در بررسی شرکت های عربستان سعودی متوجه شد که اندازه شرکت با میزان افشای اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد و میزان بدهی، پراکندگی مالکیت، تعداد سال‌های عضویت در بورس، حاشیه سود، نوع صنعت و نوع حسابرس، اثر معناداری در تفاوت بین سطوح مختلف افشا ندارد. حسین و رائز (۲۰۰۷) به بررسی شرکت های هندی پرداختند و دریافتند که بین برخی از ویژگی های شرکت و افشای داوطلبانه اطلاعات، رابطه وجود دارد. آن ها متوجه شدند که بانک‌های هندی میزان قابل توجهی از اطلاعات را به طور اختیاری افشا می‌کنند. همچنین دریافتند که اندازه شرکت با سطح افشا رابطه معناداری دارد و متغیرهایی نظیر عمر شرکت در بورس، تنوع فعالیت، پاداش هیئت مدیره و پیچیدگی فعالیت با میزان افشا دارای رابطه نیست. وانگ (۲۰۰۸) در بررسی شرکت های چینی متوجه شد که میزان افشا با مواردی از قبیل نسبت مالکیت سهامداران خارجی، عملکرد شرکت که از طریق بازده ارزش ویژه اندازه گیری می‌شود و شهرت حسابرس، رابطه مثبت و معناداری دارد.

با توجه به مطالب فوق در این تحقیق به بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی ۶ عاملی هگزاکو مدیران بر عدم تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا مسئولیت اجتماعی می‌پردازیم.

#### روش‌شناسی

در پژوهش حاضر به خاطر عدم دسترسی به کل جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری به شیوه هدفمند،

اطلاعات درخصوص عملیات شرکت هستند تا درک مناسبتری از مبنای تصمیم‌گیری خودشان داشته باشند (استولوی و لیس، ۲۰۰۶). از این گذشته کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۱۹۸۶) بیان نموده است که اطلاعاتی که توسط شرکت های تجاری فراهم می‌شود باید در فرایند تصمیم‌گیری استفاده کنندگان مفید واقع شود و باید قابل درک، مربوط، قابل اعتماد، قابل مقایسه و به موقع باشد.

برای درک انگیزه‌ها و منافع حاصل از افشای داوطلبانه، بحث در خصوص ویژگی‌های افشای داوطلبانه ضروری می‌باشد. تحقیقات بسیاری در دفاع از افشای داوطلبانه انجام شده است (لاتریدیس، ۲۰۰۸؛ مک نایت و تامکینز، ۱۹۹۹). انگیزه‌های افشای داوطلبانه را می‌توان در چهار گروه خلاصه کرد: (۱) مدیران به عنوان مسئول پاسخگو هستند و باید به اهداف مالی و تجاری شرکت دست یابند و افشای اطلاعات ابزار اطلاع‌رسانی نسبت به این مساله است. (۲) مدیران برای جلب توجه بازارهای سرمایه، تمایل به افشای اطلاعات در خصوص عملکرد خود دارند (مک نایت و تامکینز، ۱۹۹۹). (۳) در صورت افشای ناکافی، مدیران برای کاهش هزینه‌های قانونی تمایل به افشای داوطلبانه خواهند داشت (اسکینز، ۱۹۹۴) و (۴) برای اینکه مدیران به سرمایه‌گذاران نشان دهند که از محیط اقتصادی شرکت آگاه هستند و قادرند به تغییرات، پاسخ سریع دهند، از افشای داوطلبانه و ارائه پیش‌بینی‌ها استفاده می‌کنند (ترومن، ۱۹۸۶).

تمامی مواردی که در بالا مطرح شد، اطلاعات مثبتی به سرمایه‌گذاران می‌دهد و بر بازده سهام و ارزش بازار شرکت تاثیر مثبت دارد (لاپورتا، ۲۰۰۰؛ ریز و بیزیچ، ۲۰۰۲). در هر صورت، این مساله هم درست است که شرکت ها تمایلی به افشای اطلاعاتی که بر موقعیت رقابتی‌شان تاثیر می‌گذارد، ندارند (نیومن و سانسینگ، ۱۹۹۳). همانطور که قبلاً بیان شد، در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، پژوهش‌های زیادی برای اندازه‌گیری افشای اطلاعات انجام شده است (برای مثال والاس

قوی باعلاقه به ریسک‌های بزرگ در مشاغل همبسته است (کوستا، مک کری وهالند، ۱۹۸۴).

(۳) باز بودن نسبت به تجربه، تجربه‌اندوز یا گشودگی: (O)

این بعد، میزان علاقه افراد نسبت به تازگی و کسب تجربه‌های جدید را نشان می‌دهد. افراد با این ویژگی دارای قدرت تخیل، علاقه به جلوه‌های هنری، کنجکاو نسبت به ایده‌های دیگران، با احساسات باز، دارای ایده و اقدام گرا هستند. افرادی که گشودگی در پذیرفتن تجربیات دارند، برای مشاغلی که در آن‌ها تحول و تغییر زیاد روی می‌دهد و یا نیاز به نوآوری یا ریسک قابل ملاحظه‌ای دارند، می‌توانند مفید واقع شود. برای مثال کارآفرینان، معماران، عاملان تغییر در سازمان، هنرمندان و دانشمندان تئوری پرداز، عموماً در این ویژگی در سطح بالایی قرار دارند.

(۴) تطابق‌پذیری (A)

این ویژگی به گرایش افراد به همسان بودن با دیگران ارتباط می‌یابد. افراد با ویژگی تطابق‌پذیری، قابل اعتماد، روراست، نوع‌دوست، مهربان و دارای خصیصه از خودگذشتگی، پیرو، متواضع و فروتن و خوش‌قلب هستند.

(۵) وظیفه‌شناسی، وجدان یا دلسوزی: (C)

این بعد معیار سنجش قابلیت اطمینان است. فرد با وجدان بالا، فردی شایسته، منظم، وظیفه‌شناس، هدف‌جو، دارای انضباط شخصی وقت‌شناس و قابل اتکا (مشاور) می‌باشد. وظیفه‌شناسی، در بسیاری از موقعیت‌های سازمانی، مفید و مهم تلقی شده و شاخص مناسبی برای پیشگویی عملکرد در بسیاری از مشاغل می‌باشد. چراکه تمایل این افراد برای دستیابی به موفقیت بیشتر است.

افشا داوطلبانه: تصمیم‌گیری در خصوص اینکه چه اقدامی به طور داوطلبانه افشا گردد یک مساله قضاوتی است. به علاوه، انتخاب اقلام مذکور به ماهیت شرکت و صنعت مورد فعالیت آن بستگی دارد. در برخی از پژوهش‌ها، گزارشگری شرکت‌های مالی (مانند بانک‌های

مبتنی بر حوزه پژوهش اقدام به توزیع پرسشنامه بین مدیران مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران گردید و در نهایت ۸۸ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۸ جزء نمونه آماری این پژوهش قرار گرفتند. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از الگوی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزار (PLS) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش:

ویژگی‌های شخصیت مدیرعامل: برای سنجش عوامل روان‌شناختی مدیران از پرسشنامه نئو استفاده می‌کنیم. در سال ۱۹۹۲ کاستا و مک‌گری پنج عامل اصلی که برای درک شخصیت لازم است را مطرح نمودند که شامل موارد زیر است:

(۱) روان‌رنجوری (پایداری عاطفی) (N)

این بعد به توانایی فرد در تحمل استرس مربوط می‌شود. افراد با ویژگی روان‌رنجوری دارای ثبات عاطفی پایین‌اند. این افراد نگران، عصبی، مأیوس و ناامید، دارای استرس، خجالتی، آسیب‌پذیر و شتاب‌زده هستند. افراد روان‌رنجور معمولاً حال و هوای منفی در محیط کار خود داشته و عموماً نگرش منفی نسبت به کار خود دارند. ممکن است در تصمیم‌گیری‌های گروهی، نفوذ هشیار کننده داشته باشند که این امر از طریق بیان جنبه‌های منفی تصمیم اخذشده صورت می‌گیرد.

(۲) برون‌گرایی (E)

برون‌گراها، البته جامعه‌گرا بوده اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطه برون‌گرایی دارای آن است. علاوه بر آن E دوست داشتن مردم، ترجیح گروه‌های بزرگ و گردهمایی‌ها، با جرأت بودن، فعال بودن و پرحرف بودن نیز از صفات برون‌گراها است. آن‌ها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند. همچنین سرخوش، با انرژی و خوش‌بین نیز هستند. مقیاس‌های حیطه برون‌گرایی به‌طور

دادند، برای اندازه‌گیری تقارن اطلاعاتی، از این مدل بهره گرفته شده است. مدل یادشده به شرح زیر است:

$$\text{SPREADit} = (\text{AP}) - (\text{PB}) \times 100 / (\text{AP} + \text{PB}) \div 2$$

که در آن:

**SPREAD**: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی

خریدوفروش سهام  $i$  در دوره  $t$ ،

$t$ : سال موردبررسی،

$i$ : شرکت موردبررسی،

**Price Ask (AP)**: بهترین (کمترین) قیمت

پیشنهادی فروش سهام  $i$  در دوره  $t$ ،

**Price Bid (BP)**: بهترین (بیشترین) قیمت

پیشنهادی خرید سهام شرکت  $i$  در دوره  $t$ ، است.

طبق مدل بالا، هرچه دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی

خریدوفروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، حاکی از عدم

تقارن اطلاعاتی بیشتر است. در آزمون فرضیه‌ها، قدر

مطلق عدد حاصل از این مدل مورداستفاده قرار می‌گیرد.

پژوهش از لحاظ هدف، ذیل پژوهش‌های کاربردی و

از لحاظ ماهیت و روش در ذیل پژوهش‌های توصیفی-

تحلیلی و علی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر از روش

نمونه‌گیری تصادفی ساده، اقدام به توزیع پرسشنامه بین

مدیران عامل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران

گردید و در نهایت ۵۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده

در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۸ جزء نمونه

آماري این پژوهش قرار گرفتند. فرضیه‌های پژوهش با

استفاده از الگوی معادلات ساختاری به روش حداقل

مربعات جزئی و نرم افزار (PLS) مورد بررسی و تجزیه

و تحلیل قرار گرفتند.

اسلامی) و موسسات مالی بین‌المللی (مانند IMF و بانک جهانی) مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه، برخی از سازمان‌ها، هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی مانند FASB در آمریکا، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی و موسسه استاندارد و پوئرز در خصوص افشای داوطلبانه اطلاعات، رهنمودهایی را ارائه نمودند. در نهایت گروه پژوهش با مطالعه منابع بسیار از جمله پژوهش‌های انجام شده توسط دانشگاهیان و افراد حرفه‌ای و مطالعه دستورالعمل‌های مجامع حرفه‌ای متعدد، مجموعه‌ای از اقلام افشای داوطلبانه توصیه شده را گردآوری نمود و ۴۴ مورد را یافت. گزارش سالیانه تمامی شرکت‌های نمونه در طی سال‌های مشاهده، بررسی شده و در صورت افشا مطلب مورد نظر عدد (۱) و در غیر این صورت (۰) منظور شده است. محاسبه اولیه نمره افشای اطلاعات توسط هر شرکت از طریق معادله زیر انجام شده است:

معادله (۱)

$$\text{DCOR} = \sum_{j=1}^{44} \frac{dj}{n}$$

که در آن:

**DCOR** = نمره افشا به صورت تجمعی

**dj** = عدد (۱) اگر مورد  $j$ م افشا شده است و در

صورت عدم افشا عدد (۰)

**n** = حداکثر نمره‌ای که هر شرکت می‌تواند به دست

آورد.

تقارن اطلاعاتی: برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی

بین سرمایه‌گذاران از مدل و نکاتش و چیانگ (۱۹۸۶)

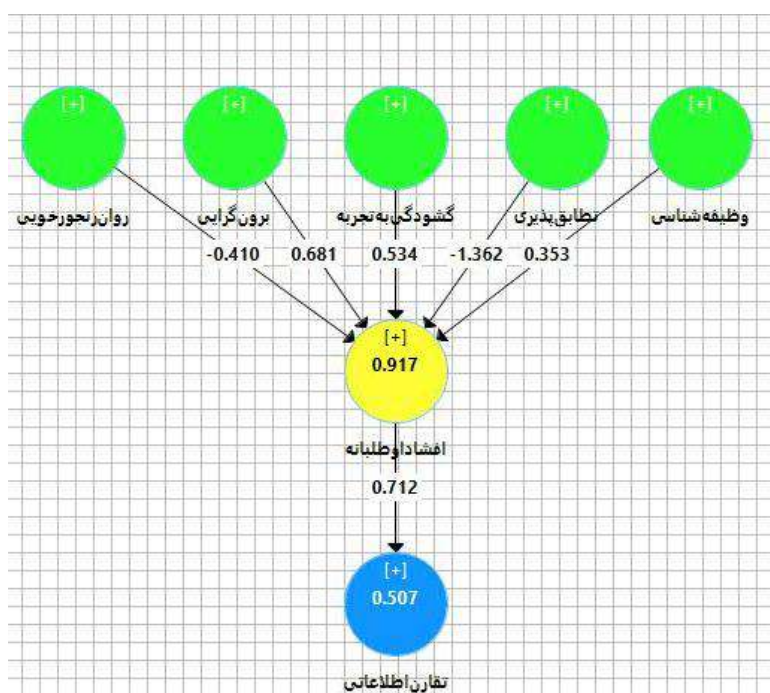
(دامنه‌ی قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام) استفاده

می‌شود. در پژوهشی که فو و همکاران (۲۰۱۲) انجام

### یافته‌ها

به اینکه بارهای عاملی باید بزرگ‌تر از ۰.۳ باشد، عواملی که بار عاملی کمتر از ۰.۳ دارند، باید حذف شوند و همان‌طور که مشاهده می‌کنید، تمام بارهای عاملی مؤلفه‌ها مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر از ۰.۳ است و نیاز به حذف هیچ‌یک از عوامل نیست.

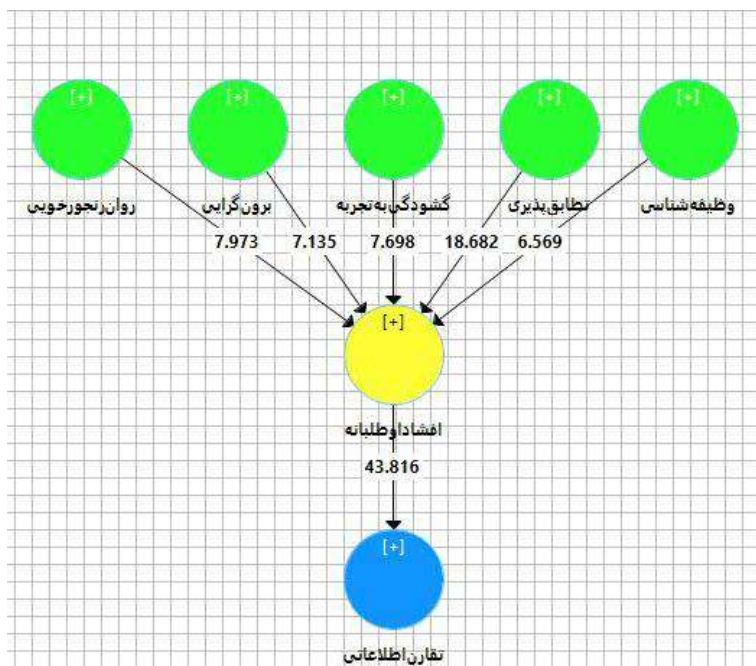
در این بخش ساختار مدل، روابط بین تغییرهای نهفته درونی و بیرونی مورد توجه قرار می‌گیرند. در اینجا هدف، تشخیص این موضوع است که آیا روابط تئوریک بین تغییرها در مرحله تدوین چارچوب مفهومی مدنظر محقق بوده است، به وسیله داده‌ها تأیید گردیده یا خیر. با توجه



شکل ۱. نمودار مدل معادلات ساختاری

مشاهده‌شده با آزمون  $t$ -value از ۱.۹۶ کوچک‌تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست. همان‌طور که در شکل زیر مشخص است برای تمام مؤلفه‌ها  $t$ -value از ۱.۹۶ بیشتر است.

جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها و بارهای عاملی از آماره آزمون  $t$  یا همان  $t$ -value نیز استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای ۰.۰۵ بررسی می‌شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی



شکل ۲. نمودار معناداری مدل معادلات ساختاری

همچنین با توجه به شکل ۱ و ۲ نتایج آزمون فرضیه‌ها به شرح جدول زیر خواهد بود:

جدول ۱. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	معناداری	ضریب مسیر	فرضیه
تایید	۷/۱۳۵	۰/۶۸۱	بین برون‌گرایی و افشا داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۱۸/۶۸۲	-۱/۳۶۲	بین تطابق‌پذیری و افشا داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۷/۹۷۳	-۰/۴۱۰	بین روان‌رنجورخویی و افشا داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۶/۵۶۹	۰/۳۵۳	بین وظیفه‌شناسی و افشا داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۷/۶۹۸	۰/۵۳۴	بین گشودگی به تجربه و افشا داوطلبانه رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۴۳/۸۱۶	۰/۷۱۲	بین افشا داوطلبانه و تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۶/۸۹۶	۰/۴۸۵	برون‌گرایی بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه تأثیر دارد.
تایید	۱۷/۳۵۱	-۰/۹۷۰	تطابق‌پذیری بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه تأثیر دارد.
تایید	۸/۳۰۶	-۰/۲۹۲	روان‌رنجورخویی بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه تأثیر دارد.
تایید	۶/۶۱۸	۰/۲۵۱	وظیفه‌شناسی بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه تأثیر دارد.
تایید	۷/۶۳۳	۰/۳۸۰	گشودگی به تجربه بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه تأثیر دارد.

## بررسی کیفیت مدل:

### بررسی اعتبار ترکیبی هر یک از سازه‌ها

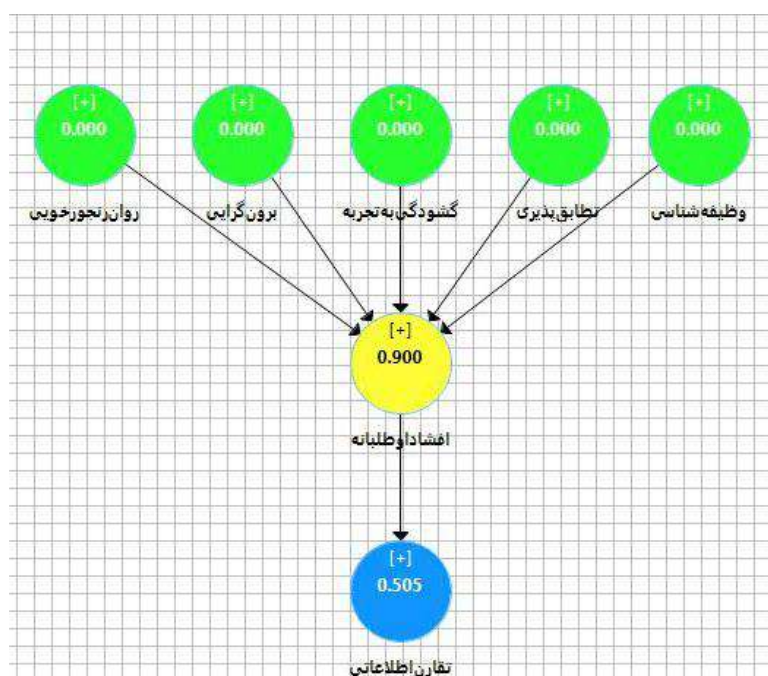
جدول ۲. بررسی اعتبار ترکیبی هر یک از سازه‌ها

آلفا کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده
۰/۸۴۹	۰/۸۸۶	۰/۵۰۸
۰/۷۵۴	۰/۷۸۵	۰/۶۵۴
۰/۷۴۳	۰/۷۶۴	۰/۵۸۷
۰/۷۶۴	۰/۷۸۲	۰/۶۵۳
۰/۸۱۶	۰/۸۳۴	۰/۵۶۲
۰/۸۵۳	۰/۷۶۵	۰/۷۵۴
۰/۷۹۳	۰/۸۱۳	۰/۵۹۷

### بررسی اعتبار حشو یا افزونگی مدل

این شاخص (( $Q = 1 - SSE/SSO$ )) کیفیت اعتبار اشتراک مدل معادلات ساختاری را نشان می‌دهد و اعداد مثبت نشان‌دهنده اعتبار مدل می‌باشد. همان‌طور که در شکل زیر مشاهده می‌کنید، در مدل تحقیق حاضر این اعداد مثبت می‌باشند.

اعدادی که در ستون پایایی مرکب نوشته شده اعتبار ترکیبی سازه هارانشان می‌دهد که مقدار بیشتر از ۰.۷ آن قابل قبول است و در این تحقیق این اعداد بیشتر از ۰.۷ است. اعدادی که در ستون میانگین واریانس استخراج شده نوشته شده نشان‌دهنده اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است و مقدار مناسب آن باید بیشتر از ۰.۵ باشد و در این تحقیق این اعداد بیشتر از ۰.۵ است.



شکل ۳. بررسی اعتبار حشو مدل



## بحث و نتیجه‌گیری

در تعریف شخصیت، روانشناسان بیش از هر چیزی به تفاوت‌های فردی توجه دارند، یعنی ویژگی‌هایی که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند. اما روانشناسان شخصیت توافق کاملی درباره علل زیربنایی شخصیت ندارند و در پاسخ به سؤالاتی در این زمینه پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. گرچه همه نظریه‌پردازان شخصیت با یک تعریف واحد موافق نیستند، اما می‌توانیم بگوییم که شخصیت عبارت است از "الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار دوام می‌بخشد". به‌طور اختصاصی‌تر، شخصیت از صفات یا گرایش‌هایی تشکیل می‌شود که به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت‌های گوناگون می‌انجامد. این صفات می‌تواند منحصربه‌فرد باشند، یا کل اعضای یک‌گونه در آن سهمیم باشند، ولی الگوهای آن‌ها در هر فرد تفاوت دارند (فایست، ۱۳۸۶).

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند بر افشا داوطلبانه اطلاعات تأثیرگذار باشد، ویژگی‌های شخصیتی مدیران می‌باشد. افشا بیشتر اطلاعات توسط شرکت‌ها نیز باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت‌ها می‌گردد، لذا در این تحقیق به بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی ۵ عاملی مدیران بر تقارن اطلاعاتی با واسطه‌گری افشا داوطلبانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار پرداخته شد و برای این منظور ۸۸ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شد و با استفاده از مدل معادلات ساختاری به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که پنج عامل شخصیتی شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تطابق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه، به‌طور معناداری با افشا داوطلبانه در ارتباط هستند. این یافته‌ها حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند نقش مهمی در تمایل افراد به افشای اطلاعات به‌صورت داوطلبانه ایفا کنند. به عبارت دیگر، شخصیت افراد نه تنها بر رفتارهای

اجتماعی و ارتباطی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به‌طور مستقیم بر میزان شفافیت و اشتراک اطلاعات نیز مؤثر باشد.

علاوه بر این، نتایج نشان داد که افشا داوطلبانه می‌تواند به‌عنوان یک میانجی‌گر، رابطه بین پنج عامل شخصیتی و تقارن اطلاعاتی را تسهیل کند. این بدان معناست که افراد با سطوح مختلف ویژگی‌های شخصیتی ممکن است از طریق میزان افشای اطلاعات خود، بر تقارن اطلاعاتی در محیط‌های مختلف تأثیر بگذارند. این یافته‌ها اهمیت توجه به شخصیت افراد در طراحی و اجرای سیاست‌ها و رویه‌های افشا اطلاعات در سازمان‌ها و نهادهای مختلف را برجسته می‌سازد.

در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که برای بهبود تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت، می‌توان از شناخت دقیق‌تر ویژگی‌های شخصیتی افراد بهره‌گرفت و آن‌ها را در راستای تشویق به افشا داوطلبانه اطلاعات هدایت کرد. این امر می‌تواند به ارتقای سطح اعتماد و همکاری در محیط‌های سازمانی و اجتماعی کمک کند.

## منابع

آرین، م؛ پورشافعی، ه؛ عسگری، ع. (۱۳۹۳). تبیین مدل تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر عملکرد شغلی با توجه به نقش خلاقیت هیجانی (در کارکنان کمیته امداد امام خمینی ره خراسان جنوبی). اولین کنگره توانمندسازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

حسینقلی، فاطمه، کوشکی، شیرین، فرزاد، ولی‌الله، افتخارزاده، سید فرهاد. (۱۳۹۷). الگوی ساختاری سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان نوجوان پسر بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده: نقش واسطه‌ای راهبردهای خودتنظیمی. دوفصلنامه شناخت اجتماعی. (۲) ۷. ۲۷-۵۰.

- Courtis, J. K. (1987). Fry, smog, lix and rix: Insinuations about corporate business communications. *The Journal of Business Communication* (1973), 24(2), 19-27.
- Dontoh, A. (1989). Voluntary disclosure. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 4(4), 480-511.
- Ferguson, M. J., Lam, K. C., & Lee, G. M. (2002). Voluntary disclosure by state-owned enterprises listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 13(2), 125-152.
- Gandía, J. L. (2005). Corporate e-governance disclosure in the digital age: an empirical study of Spanish listed companies.
- Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38(3), 317-349.
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), 405-440.
- Healy, P. M., Hutton, A. P., & Palepu, K. G. (1999). Stock performance and intermediation changes surrounding sustained increases in disclosure. *Contemporary accounting research*, 16(3), 485-520.
- Hossain, M. (2008). The extent of disclosure in annual reports of banking companies: The case of India.
- Hossain, M., & Hammami, H. (2009). Voluntary disclosure in the annual reports of an emerging country: The case of Qatar. *Advances in Accounting*, 25(2), 255-265.
- Hossain, M., & Mitra, S. (2004). Firm characteristics and voluntary disclosure of geographic segment data by US multinational companies. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 1(3), 288-303.
- Hossain, M., & Reaz, M. (2007). The determinants and characteristics of voluntary disclosure by Indian banking companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 14(5), 274-288.
- Hossain, M., Perera, M. H. B., & Rahman, A. R. (1995). Voluntary disclosure in the annual reports of New Zealand companies. *حیدری نژاد، قدرت اله. (۱۳۹۱). حسابداری محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، همایش ملی حسابداری و حسابرسی. ص ۳۰۱.*
- کاوسی، اسماعیل . چاوش باشی، فرزانه. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه‌ی مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در سازمان». پژوهش‌نامه مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (۳)، ۸۶-۵۱
- Ahmed, K., & Nicholls, D. (1994). The impact of non-financial company characteristics on mandatory disclosure compliance in developing countries: The case of Bangladesh.
- Aljifri, K. (2008). Annual report disclosure in a developing country: The case of the UAE. *Advances in Accounting*, 24(1), 93-100.
- Alsaeed, K. (2006). The association between firm-specific characteristics and disclosure: The case of Saudi Arabia. *Managerial Auditing Journal*, 21(5), 476-496.
- Bazrafshan, E., Kandelousi, A. S., & Hooy, C. W. (2016). The impact of earnings management on the extent of disclosure and true financial performance: Evidence from listed firms in Hong Kong. *The British Accounting Review*, 48(2), 206-219.
- Bradbury, M. E. (1992). Voluntary disclosure of financial segment data: New Zealand evidence. *Accounting & Finance*, 32(1), 15-26.
- Butler, M., Kraft, A., & Weiss, I. S. (2007). The effect of reporting frequency on the timeliness of earnings: The cases of voluntary and mandatory interim reports. *Journal of Accounting and Economics*, 43(2-3), 181-217.
- Chow, C. W., & Wong-Boren, A. (1987). Voluntary financial disclosure by Mexican corporations. *Accounting review*, 533-541.
- Collett, P., & Hraskey, S. (2005). Voluntary disclosure of corporate governance practices by listed Australian companies. *Corporate Governance: An International Review*, 13(2), 188-196.
- Cooke, T. E. (1991). An Assessment of Voluntary Disclosure in the Annual Reports of Japanese Corporation. *International Journal of Accounting*, Vol. 26, No. 1, Pp. 174-189.

- Newman, P., & Sansing, R. (1993). Disclosure policies with multiple users. *Journal of Accounting Research*, 92-112.
- Nicholls, D., & Ahmed, K. (1995). Disclosure quality in corporate annual reports of non-financial companies in Bangladesh. *Research in Accounting in Emerging Economies*, 3(2), 149-170.
- Owusu-Ansah, S. (1998). The impact of corporate attributes on the extent of mandatory disclosure and reporting by listed companies in Zimbabwe. *The International Journal of Accounting*, 33(5), 605-631.
- Palepu, K. G., & Healy, P. M. (2007). *Business analysis and valuation*. Cengage Learning EMEA.
- Raffournier, B. (1995). "The Determinants of Voluntary Financial Disclosure by Swiss Listed Companies." *European Accounting Review*, Vol. 4, No. 2, pp. 261-082.
- Reese Jr, W. A., & Weisbach, M. S. (2002). Protection of minority shareholder interests, cross-listings in the United States, and subsequent equity offerings. *Journal of financial economics*, 66(1), 65-104.
- Skinner, D. J. (1994). Why firms voluntarily disclose bad news. *Journal of accounting research*, 32(1), 38-60.
- Stolowy, H., & Lebas, M. (2006). *Financial accounting and reporting: a global perspective*. Cengage Learning EMEA.
- Todd, R., & Sherman, R. (1991). *International financial statement analysis*. In F. D. S. Choi (Ed.), *Handbook of International Accounting* New York: Wiley Chapter 9.
- Trueman, B. (1986). Why do managers voluntarily release earnings forecasts?. *Journal of accounting and economics*, 8(1), 53-71.
- Wallace, R. O., & Naser, K. (1995). Firm-specific determinants of the comprehensiveness of mandatory disclosure in the corporate annual reports of firms listed on the stock exchange of Hong Kong. *Journal of Accounting and Public policy*, 14(4), 311-368.
- Wang, K., Sewon, O., & Claiborne, M. C. (2008). Determinants and consequences of voluntary disclosure in an emerging market: Evidence from China. *Journal of International Journal of International Financial Management & Accounting*, 6(1), 69-87.
- Hossain, M., Tan, L. M., & Adams, M. (1994). Voluntary disclosure in an emerging capital market: Some empirical evidence from companies listed on the Kuala Lumpur Stock Exchange. *The International Journal of Accounting*, 29, 334-351.
- Iatridis, G. (2008). Accounting disclosure and firms' financial attributes: Evidence from the UK stock market. *International review of financial analysis*, 17(2), 219-241.
- Inchausti, B. G. (1997). The influence of company characteristics and accounting regulation on information disclosed by Spanish firms. *European accounting review*, 6(1), 45-68.
- Kumar, G., Wilder, W. M., & Stocks, M. H. (2008). Voluntary accounting disclosures by US-listed Asian companies. *Journal of International Accounting Research*, 7(1), 25-50.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (2000). Investor protection and corporate governance. *Journal of financial economics*, 58(1), 3-27.
- Lopes, P. T., & Rodrigues, L. L. (2007). Accounting for financial instruments: An analysis of the determinants of disclosure in the Portuguese stock exchange. *The International Journal of Accounting*, 42(1), 25-56.
- Lopes, P. T., & Rodrigues, L. L. (2007). Accounting for financial instruments: An analysis of the determinants of disclosure in the Portuguese stock exchange. *The International Journal of Accounting*, 42(1), 25-56.
- McKnight, P. J., & Tomkins, C. (1999). Top executive pay in the United Kingdom: a corporate governance dilemma. *International Journal of the Economics of Business*, 6(2), 223-243.
- Naser, K., Al-Hussaini, A., Al-Kwari, D., & Nuseibeh, R. (2006). Determinants of corporate social disclosure in developing countries: the case of Qatar. *Advances in International Accounting*, 19, 1-23.

Accounting, Auditing and Taxation, 17(1), 14-30.

Wang, K., Sewon, O., & Claiborne, M. C. (2008). Determinants and consequences of voluntary disclosure in an emerging market: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 17(1), 14-30.

Watts, R., & Zimmerman, J. (1986). *Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ: Positive Accounting Theory*.

---

Quarterly Journal of Educational Psychology Skills  
Islamic Azad University Tonekabon Branch  
Vol. 16, No. 1, spring 2025, No 61



Journal of Educational  
Psychology

---

## Investigating the effect of financial managers' personality dimensions on information asymmetry with the mediation of voluntary disclosure

Seyed Ali Soltanzadeh<sup>1</sup>, Amir Shams<sup>\*2</sup>, Mohsen Dastgir<sup>3</sup>

- 1) Department of Accounting, Isfahan (Khorasgan) C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
  - 2) Department of Accounting, Neyshabur C., Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.
  - 3) Department of Accounting, Isfahan (Khorasgan) C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
- 

### Abstract

Introduction: One of the basic foundations of companies' success is having competent and efficient managers, the competence of managers is more dependent on their behavior, personality traits and attitude than on their knowledge and skills. The purpose of this research is to investigate the effect of personality dimensions of financial managers on information asymmetry with the mediation of voluntary disclosure in Tehran Stock Exchange companies. The statistical population of this research is all the companies admitted to the Tehran Stock Exchange in 2018 and the studied sample includes 88 companies of the Tehran Stock Exchange. In order to test the hypotheses of the research, the model of structural equations was used by the method of partial least squares and using software (PLS3). In order to measure the personality characteristics of the 5-factor neo questionnaire, voluntary disclosure was made from the researcher's checklist and was used to compare the information of the difference between the bid price and the bid price of the companies' shares in the Tehran Stock Exchange. The results showed that there is a significant relationship between neuroticism, extroversion, adaptability, conscientiousness and openness to experience and voluntary disclosure, and also the above five personality factors can be effective on information symmetry by mediating voluntary disclosure.

**Keywords:** Voluntary Disclosure, Information Asymmetry, Personality Characteristics

---